

و منها: الموصول و هو حرفی او اسمی فالحرفی کل حرف أوّل مع صلته بالمصدر و المشهور خمسة أنّ و إن و ما و کی و لو نحو و لم یکفهم أنّا انزلنا هو ان تصوموا خیر لکموا بما نسوا یوم الحساب لکیلا یكون علی المؤمنین حرجا یود احدکم لو یعمر الف سنه.

**تکمیل:** و الموصول الاسمی ما افتقر الی صله و عائد و هو الذی للمذکر و التی للمؤنث و اللذان و اللتان لمشاها بالالف ان کانا مرفوعی المحل و بالياء ان کانا منصوبیه او مجروریه و الاولی و الذین مطلقا (چه در محل رفع، نصب و جرّ) لجمع المذکر و اللاتی و اللاتی و اللواتی لجمع المؤنث و من و ما و ال و ای و «ذو» و ذا بعد ما او من الاستفهامیتین (یعنی: ماذا و من ذا) للمؤنث و المذکر (و مفرد و مثنی و جمع).

**مساله:** اذا قلت ما ذا صنعت و من ذا رایت فذا موصوله و من و ما مبتدءان و الجواب رفع و لک (متعلق به یجوز) الغائها (یعنی برای تو جایز است که ذا را ملغی از موصولیت کنی و زائده در نظر بگیری) فهما مفعولان و ترکیبها معهما بمعنی ایّ شیء (برا ما) او ایّ شخص (برای من) فالکُلُّ (کل ماذا و من ذا) مفعول و الجواب علی التقديرین (به معنای دو فرض دوم و سوم است) نَصَبٌ و قس (قیاس کن که یعنی ای هم همان حکم را دارد) علیه (۱) نحو ما ذا عرض و من ذا قام (یعنی در جایی که سؤال از فاعل باشد) الا انّ الجواب رفع مطلقا (۲). (۳)

(۱) در این قسمت این نکته را میگوید که اگر فعل بعد از ذا متعدی نباشد و لازم باشد، ترکیب ها تغییر نمیکند و فقط تفاوتش این است که :

۱. من (مبتدا) ذا قام (کلاً خبر)

۲. من (مبتدا) ذا (زائده) قام (خبر)

۳. من ذا (کلاً مبتدا) قام (خبر)

**؟ در جمله من ذا ضرب؟ ترکیب چیست؟**

ریشه سؤال در این است که سؤال از ضارب است یا مضروب است.

۱. اگر سؤال از ضارب است باید ذا را مبتدا بگیریم

۲. اگر سؤال از مضروب باشد باید ذا را مفعول به در نظر بگیریم

(۲) در حالت اول گفتیم که جواب در حالت اول رفع و در حالات دوم و سوم، منصوب است، اما در این حالت که فعل مابعد لازم باشد در هر سه حالت جواب مرفوع است.

(۳) سؤال این است که تمام موارد که فرق میکند پس چرا گفته که همانند هم هستند. ?

پاسخ این است که منظور این است که نوع ذا در هر سه حالت همانند هم هستند.

جلسه ۵۱؛ ۹۴۰۱۱۵

## موصولات:

۱. اسمی:

(۱) مختص

(۲) مشترک

۲. حرفی:

هر حرفی که مابعدش را تأویل به مصدر ببرد، موصول حرفی است. مشهور قائل به این هستند که آنها ۵ تاست.

💡 **هنگامی که می‌خواهیم تأویل به مصدر ببریم مصدر را گرفته و به فاعلش اضافه میکنیم و اگر فعل نفی باشد برای افاده نفی، باید از عدم استفاده کنیم.**

💡 **در موصولات حرفی هم جمله صله وجود دارد اما به علت اینکه حرف هیچگاه مرجع ضمیر واقع نمیشوند، بنابراین جمله صله ای که برای موصول حرفی می آید، عائد نداریم. به عبارت دیگر این حروف تنها برای این می آیند که جمله مابعد خود نقش بگیرند و معنای مستقل ندارند. به عبارت دیگر در موصولات اسمی میتوان الذی را به کسی که یا چیزی که معنی کرد اما در آن تصوّموا ... نمیتوان هیچ معنایی بیان کرد.**

آن ای که در این مبحث مطرح میشود، همان است که در حروف مشابه  
بالفعل آمد و حتماً بر سر جمله اسمیه وارد میشود و بنابراین کلام به  
وجود نمی آورد به این معنی که وقتی میگوییم: آن زیداً قائمٌ به این  
معناست: قیامٌ زیدِ . به عبارت دیگر کلام نیست بلکه مفرد ایجاد میکند.

(۱) أَنْ

▪ عَجِبْتُ أَنْكَ قَائِمٌ (قیامک)

(۲) أَنْ:

▪ أَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ (صومکم)

(۳) كَى:

▪ لَكَيْلَا يَكُونَ حَرْجٌ (لعدم کون حرج)

(۴) مَا:

▪ بَمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ (بنسیانهم)

(۵) لَوْ:

غالباً لو مصدریه بعد از ماده وَدَّ می آید.

▪ يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ

## طریقه تأویل به مصدر بردن:

بستگی به این دارد که ما بعد حرف مصدری، جمله فعلیه باشد یا اسمیه بنابراین  
داریم:

ما بعد حرف مصدریه:

### ۱. جمله فعلیه باشد:

○ مصدر فعل را گرفته و به فاعل یا نائب فاعل (خواه اسم ظاهر باشد یا  
ضمیر) اضافه میکنیم. البته واضح است که در حالتی که فاعل ضمیر  
است، باید آنچه مصدر را به آن اضافه میکنیم، ضمیر مجروری متناسب با  
فاعل باشد.

▪ أن جاء زيدٌ ← مجيء زيدٍ

▪ أن تصوموا ← صومكم

توجه کنید که در تمام حالات تأویل به مصدر بردن، وقتی جمله 

مثبت است به حالت عادی و وقتی منفی است از ماده «عدم» استفاده

میکنیم!

## ۲. جمله اسمیه باشد:

در این حالت هم دو احتمال وجود دارد:

(۱) خبر مشتق باشد.

○ مصدر مأخوذ از مشتق را به مبتدا اضافه میکنیم. البته ممکن است مبتدا

اسم آن باشد یعنی مبتدای فی الحال او فی الاصل!

▪ عَجِبْتُ أَنْكَ قَائِمٌ ← عَجِبْتُ قِيَامَكَ

(۲) خبر جامد باشد:

○ از ماده «کون» در حالت مثبت و «عدم کون» در حالت منفی، استفاده

میکنیم. به عبارت دیگر فرمول این است = [کون + مبتدا + خبر]

▪ عَجِبْتُ مِنْ أَنْكَ زَيْدٌ ← عَجِبْتُ مِنْ كَوْنِكَ زَيْدًا (زيد، خبر افعال

ناقصه است)

## احتمالات موجود در ترکیب ماذا صنعت؟ و من ذا رأيت؟:

هر دو جمله همانند هم هستند و یکی از آنها را ترکیب میکنیم.

۱. من ذا رأيت؟

من (مبتدا) ذا (موصوله و مفعول به) رأيت (صله) کل ذا رأيت، خبر برای من

توجه کنید که در این جمله عائد به موصول حذف شده است.

نقش ذا چیست؟ 

مقدمه: ذا موصوله است و چون موصول مشترک است بنابراین اسمی است و

نیازمند صله و عائد است و عائدش ضمیر مفعولی رأيت بوده است که حذف

شده است.

عائد به موصول اگر مفعولٌ به باشد، قیاساً، جوازاً و کثیراً حذف میشود.

مانند این مثال که من ذا رأیتَه بوده که این ها به علت قاعده فوق حذف شده است.

بنابراین اصل این جمله من ذا رأیتَه است که هاء به علت قرینه حذف شده است و بنابراین باب اشتغال است و به این ترتیب ذا میتواند مرفوع المحل باشد بنابر مبتدا بودن و ترکیب دیگر هم میتواند مفعول به و محلاً منصوب باشد. البته توجه کنید که احتمال اول یعنی مبتدا بودن غلط است زیرا در این صورت رأیتَ باید خبر باشد اما به علت موصول بودن ذا نیازمند صله هستیم و خبر بودن و صله بودن با یکدیگر جمع نمیشود

هیچگاه ابدأً خبر، صفت، صله، حال با یکدیگر جمع نمیشوند.

بنابراین در این مورد، نقش و ترکیب ذا فقط میتواند مفعول به باشد و جوازی نیست!!!

این توضیحات در حالی است که ذا رأیتَ را کلاً خبر بگیریم اما ترکیب دیگری هم وجود دارد:

• من (مبتدا) ذا (خبر) رأیتَ (صله ی ذا)

در جواب این ترکیب در هر دو حالت باید به صورت رفعی باشد به علت قاعده تطابق سؤال و جواب.

۲. من (مفعول به) ذا (زائده) رأیتَ (فعل و فاعل)

شرح: در حالت دوم، «ما» به معنای ای شیء است و من به معنای ای شخص است. بنابراین جمله سؤال، فعلیه میباشد، پس بهتر است که جمله جواب نیز فعلیه باشد. به همین خاطر در جواب من ذا رأیتَ گفته میشود، زیداً و در جواب ما ذا صنعتَ گفته میشود کتاباً.

در جواب من ذا رأیتَ اگر بگوییم زیداً به این معناست که قائل به این هستیم که جمله سؤال فعلیه است و بهتر است که سؤال و جواب مطابق باشد

بنابراین باید پاسخ زیداً باشد. زیرا در این احتمال ما من ذا را مفعول به گرفته ایم.

### ۳. من ذا(مفعول به) رأیت(فعل و فاعل)

شرح: من و ما با ذا ترکیب شده و روی هم کلمه مستقلی محسوب میشود به طوری که تک تک اجزاء معنای مستقلی ندارد. یعنی ماذا کل اش به معنای ایّ شیء است و من ذا کل اش به معنای ایّ شخص است. از جهت جواب سؤال نیز حکم قسم دوم را دارد به این معنا که باید منصوب پاسخ داده شود.

جلسه ۵۲؛ ۹۴۰۱۱۶